

## علل و پی‌آمدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان

علیرضا علی صوفی\*

شهرام غفوری\*\*

### چکیده

با آغاز شدن جنگ جهانی اول در ماه اوت ۱۹۱۴ همدان از جمله شهرهایی بود که در این واقعه جهانی دچار صدمه‌های فراوانی شد. این شهر، که در راه‌های مواصلاتی، بازرگانی، و زیارتی غرب کشور قرار داشت، از پی‌آمدهای این جنگ با مشکلاتی نظیر قحطی ویران‌گر، مرگ‌ومیر فراوان انسانی، کاهش قابل‌ملاحظه جمعیت شهری و روستایی، خرابی زمین‌های کشاورزی، و نابودی فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی آسیب دید. چرایی و چگونگی ایجاد قحطی و پی‌آمدهای اجتماعی مترتب بر آن در واپسین سال‌های حکومت قاجاریه موضوع اصلی تحقیق پیش‌روست. در این پژوهش، با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و مدارک موجود سعی شده تا ابعاد تازه‌ای از این رویداد سیاسی - اجتماعی بررسی شود. باتوجه به مسئله بنیادین این تحقیق درخصوص علت‌شناسی شکل‌گیری پدیده قحطی در همدان نتایج پژوهش گویای این واقعیت است که هرچند علت اساسی آن را باید در جنگ و حضور بیگانگان در منطقه جست‌وجو کرد، عواملی از قبیل احتکار، خشک‌سالی، بیماری، و فقدان امنیت اجتماعی نیز مزید بر علت بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** همدان، خشک‌سالی، روس، انگلیس، قحطی، جنگ جهانی اول، عثمانی.

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، ar.soufi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، Shahram.ghr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

## ۱. مقدمه

یورش نیروهای متخاصم به خاک ایران در جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی طرفی این کشور که سند آن را مستوفی الممالک در دوازدهم ذی حجه ۱۳۳۲/ اول نوامبر ۱۹۱۴ به امضای احمدشاه رسانید (احرار ۱۳۵۲: ج ۱، ۳۷) موجب صدمات و مصائب فراوانی برای مردم ایران شد. همدان، در غرب ایران، یکی از شهرهایی بود که چون بر سر راه‌های ارتباطی مهم تجاری - نظامی قرار داشت، از سوی هر دو گروه درگیر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته بود. از سوی روس‌ها فتح آن را برای حمله به کرمانشاه و رسیدن به دروازه‌های بغداد و رسانیدن کمک به نیروهای انگلیسی ضروری می‌دانستند و از سوی دیگر، قوای عثمانی و آلمان و دموکرات‌های ایرانی به منظور جلوگیری از پیشروی سریع روس‌ها قصد نداشتند به آسانی از همدان دست بردارند و بدیهی است که این مناقشه‌ها جز مصیبت و بدبختی و ویرانی برای مردم این شهر نتیجه‌ای دربر نداشت. بر این اساس، فرضیه تحقیق مبین آن است که گرسنگی و ویرانی و در پی آن قحطی و مرگ و میر فراوان اهالی از پی آمده‌های حضور نیروهای بیگانه بود. این نتایج ناگوار بر اوضاع سیاسی - اجتماعی منطقه (شهری و روستایی) سایه افکنده بود و موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی شد. در پیشینه تحقیق‌های صورت گرفته در خصوص موضوع باید توجه داشت که منطقه همدان کم‌تر به صورت مشخص و مجزا بررسی شده است. در آثار محققان ایرانی از جمله (آبادیان ۱۳۸۵) مسائل همدان فقط زمانی مورد اشاره نویسنده قرار گرفته که درگیری‌های نیروهای متخاصم در منطقه صورت گرفته است، ولی زمینه‌ها و علل بروز قحطی مورد مذاقه جامع قرار نگرفته است. در خاطرات افراد حاضر در صحنه حوادث نیز همدان گذرگاهی مهم بوده است که بین ژاندارم‌ها و روس‌ها دست‌به‌دست می‌شده است (دیوان‌بیگی ۱۳۵۱). یا نویسنده دیگری (مجد ۱۳۸۷) با دیدی سیاسی و فقط با تکیه بر اسناد یک کشور (امریکا) حوادث مربوط را ارزیابی کرده است. نیروهای انگلیسی نیز با اثر دسترویل خود را از دخالت در قحطی تبرئه کرده‌اند و در مواردی نیز عامل محلی را علت پی آمده‌های ویران‌گر معرفی کرده و عوارض اجتماعی ناشی از این بحران را طبیعی قلمداد کرده‌اند؛ که این نمی‌تواند بازگوکننده همه‌جانبه واقعیت این حادثه باشد. با این توضیحات، نوآوری و اهمیت پژوهش پیش‌رو در این است که به‌طور خاص و موردی وضعیت همدان را در جنگ اول بررسی کرده است و سعی بر آن داشته تا با تحلیلی منطقی علل و عوامل دخیل در قحطی را ارزیابی کند. بنابراین، هدف این پژوهش تلاش برای پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که چرا و چگونه جنگ جهانی اول باعث قحطی گسترده و پی آمده‌های عظیم ناشی از آن در منطقه همدان شد؟

## ۲. ایران و جنگ جهانی اول

در آغاز جنگ جهانی اول اوضاع ایران از دیدگاه یک مأمور خارجی ترکیبی از مشکلات اقتصادی، کشمکش‌های سیاسی، حضور نیروهای روس و انگلیس در مناطق مختلف، ضعف دولت مرکزی، سرکشی ایلات و عشایر، و نبود ارتشی مجهز و وفادار بود (اولسون ۱۳۸۰: ۴۹). آنچه باعث شده بود این حاکمیت به مستعمره‌ای کامل تبدیل نشود رقابت روس و انگلیس بود (میروشنیکف ۱۳۴۴: ۳۰). درعین حال، با افتتاح مجلس سوم فعالیت احزاب و مطبوعات و گروه‌های سیاسی نیز دوباره آغاز شد (ملائی توانی ۱۳۷۸: ۴۴). جناح‌های سیاسی در مجلس سوم، یعنی دموکرات‌ها و اجتماع‌یون اعتدالیون، درباره این موضوع مهم که آیا به اتحاد با آلمان در نبرد با روسیه و انگلستان بپیوندند یا خیر درگیری و منازعه داشتند (قطبی ۱۳۷۰: ۷). تعداد زیادی از این مردان و سیاسیون طرف‌داری از آلمان را حمایت از دشمن دشمنان خود می‌دانستند و خود را هوادار متحدین قلمداد می‌کردند (متین‌دفتری ۱۳۷۰: ۳۸). آنان بر این تصور بودند که با پیروزی آلمان در جنگ امکان داشت دست روس و انگلیس از ایران کوتاه شود (دیوان‌بیگی ۱۳۵۱: ۳). و در این وضعیت نابه‌سامان بود که جنگ جهانی آغاز شد. در این وضعیت، بی‌طرفی ایران در جنگ چه اهمیتی می‌توانست داشته باشد (احرار ۱۳۵۲: ج ۱، ۶). عثمانی اولین کشوری بود که این بی‌طرفی را نقض کرد و به‌بهانه ناامن بودن مرزهای خود در مناطق کردستان و آذربایجان با حدود شش هزار سرباز پیاده و سوار نواحی قطور و مهاباد را تصرف کرد (قطبی ۱۳۷۰: ۱۰). با ادامه درگیری‌ها و حضور نیروهای عثمانی و مأموران آلمانی در ایران، دولت تزاری روس نیز برای آن‌که از قافله عقب نماند دستور اعزام نیروهایش به ایران را صادر کرد و در اکتبر ۱۹۱۵/۱۲۹۴ ش نیروهای روس به فرماندهی ژنرال باراتف وارد انزلی شدند (همان: ۱۱). این نیروها قرار بر این داشتند که پس از استقرار در کرج به سه گروه تقسیم شوند و به‌منظور انجام‌دادن عملیات نظامی به طرف قم، تهران، و همدان بروند (میروشنیکف ۱۳۴۴: ۵۸). در پی این وضعیت و با هماهنگی حزب دموکرات در مجلس و کسب رضایت مستوفی‌الممالک، عده‌ای از مردم اعم از روحانیان، نمایندگان مجلس، طرف‌داران حزب دموکرات، و تعداد زیادی از افراد از هر قشر و گروهی که به‌صورت جدی به این تهدید روس‌ها می‌نگریستند راه خروج از تهران را پیش گرفتند و به‌سوی قم حرکت کردند و باعث شکل‌گیری حرکت معروف «مهاجرت» در تاریخ ایران شدند (ملائی توانی ۱۳۷۸: ۱۵۴). پس از رسیدن به قم مجاهدان و سیاست‌مداران تصمیم به تشکیل یک «حکومت ملی» گرفتند (میروشنیکف ۱۳۴۴: ۵۷) و جنگ با روس و انگلیس را رسماً آغاز کردند.

### ۳. همدان در کانون مناقشه‌ها

همدان، که در گستره‌ای به مساحت دویست هزار کیلومتر مربع در غرب ایران، بین ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد (ابراهیمی ۱۳۸۲: ۱۵)، برای نیروهای درگیر مهم ارزیابی می‌شد. برای آلمان‌ها همدان به‌منزله نقطه تلاقی خطوط مواصلاتی در جاده کرمانشاه از اهمیت زیادی برخوردار بود (گرکه ۱۳۷۷: ج ۲، ۶۹۷). آنان قصد داشتند در این ناحیه که برایشان به «شاه‌راه خانقین — کرمانشاه — همدان» معروف بود با نیروهای روسی بجنگند (میروشنیکف ۱۳۴۴: ۵۱). با پناهنده‌شدن کنسول‌های روس و انگلیس مستقر در کرمانشاه به همدان که از ترس شونمان آلمانی صورت پذیرفته بود، کشمکش‌ها بیش‌تر شد و بی‌گمان ایجاد بی‌طرفی در شهری که مردم به آلمان‌ها تمایل بیش‌تری داشتند به‌دست حکومت محلی آسان نبود (اتحادیه ۱۳۹۱: ۱۳۴). ازسوی دیگر، شایعاتی از ورود قزاقان روسی به همدان برای مراقبت از جان نمایندگان سیاسی و اتباع آن کشور و اموال بانک‌های شاهی و استقراری باعث هیجان، نگرانی، و ترس مردم شهر شد (همان: ۱۳۵). موضع‌گیری نماینده دولت عثمانی در اقدام متقابل به این عمل مردم شهر را بیش‌ازپیش دچار اضطراب کرد. شهپندر عثمانی در همدان با برگزاری مجالسی از مردم و اتباع خود خواسته بود که برای جنگ با دشمنان و پوشیدن لباس رزم ثبت‌نام کنند (همان: ۱۳۴). در هشتم رجب ۱۳۳۳، ورود چند قزاق روس به همدان موجب هیجان‌های عظیمی در مردم شد (فریدالملک همدانی ۱۳۵۴: ۴۴۵) و به ارسال تلگراف‌های متعددی ازسوی مردم همدان به تهران و نمایندگان مردم این شهر در مجلس شورای ملی منجر شد (اتحادیه ۱۳۹۱: ۱۳۷) که در آن‌ها خواستار بازگشت نیروهای روس از همدان شده بودند. این را باید شروع رسمی درگیری‌ها در همدان قلمداد کرد. با درهم‌شکستن دیوار دفاعی نیروهای ژاندارم در ۱۹۱۵ م روس‌ها وارد همدان شدند. «منطقه کاملاً زیر سلطه آمد، لکن هنوز چون به اسم ایران است از چپاول مضایقه نمی‌کنند...» (هدایت ۱۳۶۳: ۳۳۲). نیروهای ژاندارم و ماژور دماره سوئدی، که فرمانده ژاندارمری لرستان بود، به‌سختی از گردنه اسداباد دفاع کردند، اما روس‌ها به پیش‌روی خود به‌سوی کرمانشاه ادامه دادند (قائم‌مقامی ۱۳۳۴: ۱۴۱). با گذشت مدتی از جنگ همدان به‌دست نیروهای عثمانی افتاد و اندک‌زمانی بعد با عقب‌نشینی عثمانی‌ها مجدداً سربازان تزاری صاحب‌اختیار این شهر شدند. با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و صدور دستور خروج نیروهای روسی از همدان، تخلیه منطقه آغاز شد، اما

غارث و ویرانی هم‌چنان ادامه داشت. مردمی که نه سلاحی داشتند و نه قادر به دفاع از خاک خود از هجوم متحارب‌ان بودند از جزر و مد ارتش‌های روس و ترک صدمه‌ها و خسارت‌های هنگفت دیدند (سایکس ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۱۴). این همه حوادث تلخ طلیعه آغاز دردناک‌ترین پی‌آمد جنگ در همدان است.

#### ۴. پی‌آمدهای قحطی در همدان

ظهور قحطی در مقیاسی بزرگ از بزرگ‌ترین تراژدی‌های تاریخ معاصر ایران و برباددهنده جان و مال مردم بسیاری در منطقه و همدان بود، اما شیوع آن را در همدان می‌توان از دوره مشروطه بررسی کرد (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۱۳). از آغاز ۱۳۳۰ ق زمزمه‌های کمبود مواد اولیه و گرسنگی منجر به قحط و غلا در غرب و همدان شروع شد. شروع ماجرا از بروجرد بود که به سرعت به ملایر و همدان نیز کشیده شد. ایجاد کردن کمیته‌ای با نام اعانه قحطی‌زدگان برای یاری‌رساندن به قحطی‌زدگان بروجرد و جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی برای مردم محتاج بروجرد به‌ناچار برای ملایر و همدان نیز فرستاده می‌شد (همان: ۲۱۸). در روزنامه/فتاب اولین اخبار رسمی از قحطی بی‌سابقه و گرسنگی مردم در قالب اعلانی که سردار اسعد بختیاری در آن منتشر کرده بود به چشم می‌خورد (همان). فضای اقتصادی این شهر هنوز از حمله‌های سالارالدوله سروسامانی به خود نگرفته بود که هجوم نیروهای بیگانه آغاز شد و به تعبیری از افول مشروطیت تا شکست ژاندارم‌ها، یعنی از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ ق، و خروج نیروهای مردمی از همدان و ورود روس‌ها به آن، این شهر قدرت بازتولید مواد غذایی و کشت مزارع را از دست داده بود. سختی و قحطی حاصل از جنگ‌های پیاپی آن‌چنان بر مردم فشار آورده بود که دیگر قادر به شناسایی دوست از دشمن نبودند (احرار ۱۳۵۲: ج ۲، ۶۳۴). با بروز انقلاب بلشویکی در روسیه و خروج این نیروها از منطقه، موج دومی از تورم، قحطی، ناامنی، گسترش بیماری‌های واگیردار، و احتکار شهرها را درنوردید (ملائی توانی ۱۳۷۸: ۲۶۲). عده‌ای از گرسنگی و گروهی از ترس هجوم دوباره نیروهای عثمانی تمامی مایملک خود را برای تهیه مقدار کمی مواد خوراکی به حراج گذاشتند و بسیاری وسایل عتیقه را به پیشیزی به‌فروش رساندند (رایس ۱۳۸۳: ۱۳۹). با ورود نیروهای بریتانیایی به منطقه همدان، آنان روستاهایی را دیدند که خشک‌سالی آن‌ها را به درجه‌ای اسیر قحطی کرده که مجالی و فرصتی برای رهایی از آن در کوتاه‌مدت نمی‌شد متصور بود (دنسترویل بی‌تا: ۱۳۸). در ۱۹۱۶ م، با حمایت وزیرمختار امریکا در ایران،

کمیته خیریه ایران تشکیل شد که با استفاده از مبلغان مذهبی و میسیونرهای آن کشور کمک‌های بشردوستانه را به دست مردم گرسنه شهرها، از جمله همدان، می‌رساندند (میروشنیکف ۱۳۴۴: ۱۰۶). به روایتی، در همدان حدود سی هزار فقیر در طرح اطعام ثبت‌نام کردند (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۵۷). این میسیونرها سعی در رفع گرسنگی روزانه چندین هزار نفر از مردم شهر داشتند (مجد ۱۳۸۷: ۵۱). دو مرکز هم‌زمان با ورود نیروهای دنسترویل به این شهر مشغول یاری‌رساندن به قحطی‌زدگان بودند، یکی شعبه بانک شاهنشاهی و دیگری میسیون مذهبی امریکایی (دنسترویل بی‌تا: ۱۳۹). بعدها با استقرار کامل نیروهای دنسترویل در همدان، اطعام به این فلاکت‌زدگان درمقابل کار و آن هم برای جاده‌سازی اطراف شهر و تعمیر و مرمت جاده‌های قدیم بود (همان: ۱۴۰). جالب است مردم فقیری که به علت گرسنگی توان برخاستن نداشتند، این زمان برای دریافت لقمه‌ای نان کارهای سختی چون جاده‌سازی انجام می‌دادند؛ اما تعداد ده هزار نفر، که اکثر آنان زن و کودک بودند، در قحطی گرفتار بودند و کمک‌ها فقط شامل نیمی از آنان می‌شد (همان). اما در این میان، دولتیان چه کار مفیدی انجام دادند؟ به علت سراسری بودن خشک‌سالی و قحطی در ایران، دولت احتمالاً قادر نبوده است تمامی کشور را برای کمک و یاری به قحطی‌زدگان پوشش بدهد و مردم مناطق مختلف از جمله همدان به ناچار چشم به یاری دشمنان دوخته بودند تا دولت. گرانی و قحطی و احتکار دست بسیاری از مردم همدان را از قوت لایموت، حتی لقمه‌ای نان، کوتاه کرده بود. کندن و خوردن علف‌های روی زمین از معمولی‌ترین روش‌های رفع گرسنگی مردم بود که خود به مرگی دردناک منتهی می‌شد. مردم شهر به آدم‌خواری نیز روی آورده بودند (سفیری ۱۳۶۴: ۲۱۰). دزدیدن بچه‌های کوچک از جلو در خانه‌ها یا در شلوغی بازار در همدان رواج پیدا کرده بود. اغلب دزدان زنان بودند. در نمونه‌ای، نظمیه شهر ده زن را بازداشت کرد؛ اعتراف آنان به ربودن و خوردن تعدادی کودک فقط به علت گرسنگی بود (همان: ۵۱). مورد دیگر دست‌گیری مادر و دختری است که به جرم ربودن، کشتن، و پختن دختری هشت‌ساله زندانی و بعداً اعدام شدند (همان). نکته جالب صدور سریع احکام این‌گونه متهمان است. اعدام چنین افرادی، که بیش‌تر آنان زنان بودند، شاید فقط به علت فرونشاندن احساسات جامعه همدان آن روز یا ترساندن دیگران از دست‌زدن به چنین اعمالی بوده باشد. بی‌تردید قحطی با خود تلفات شدید انسانی نیز به همراه داشت. تعداد موارد مرگ‌ومیر متناقض است. فقط در غرب کشور، صحبت از مرگ‌ومیر صدها هزار تن و ویرانی صدها دهکده است (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۲۲). در موردی از

علل و پی‌آمدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان ۱۷۹

مرگ پنج میلیون نفر (همان: ۲۲۱) و در ادعایی ثابت‌نشده از ده تا سیزده میلیون جان‌باخته در ایام جنگ سخن رفته است (مجد ۱۳۹۰: ۵۳۷). هرچند ارائه آماری دقیق، که حجم و عظمت این همه کشته انسانی را بنمایاند، به‌درستی ممکن نیست (ملائتی توانی ۱۳۷۸: ۲۹۰).

## ۵. بررسی علل قحطی در همدان با تکیه بر پی‌آمدهای اجتماعی آن

هرچند زمینه‌های بروز قحطی در همدان را باید در قبل‌تر از سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ پی‌گیری کرد، با توجه به عنوان تحقیق، بررسی علل قحطی در همدان باید در بازه زمانی جنگ اول جهانی مورد مذاقه قرار گیرد. بدین لحاظ، علل مطرح‌شده در قالب چند مؤلفه در ذیل بررسی می‌شود.

### ۱.۵ خشک‌سالی، کمبود محصول

کمبود گندم و ناسازگاری طبیعت با آغاز سال ۱۳۳۴ ق آینده تاریکی را نه‌تنها برای همدان، که تمامی نقاط ایران به‌وجود آورده بود. کاهش نزولات جوی و در ادامه خشک‌سالی باعث نگرانی فزاینده مردم شده بود (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۱۷). به‌علت کاهش بارندگی زمین‌ها و دیم‌زارها زیر کشت نرفته بودند (سالور ۱۳۷۸: ج ۷، ۴۹۲۸). با رسیدن فصل بهار مردم منطقه به این امید بودند که هوا با آنان سر سازگاری پیدا کند، اما بهار هم بارندگی نداشت (همان: ج ۶، ۴۶۹۸). در آن سال تا اواخر پاییز و زمستان باران نیامده بود (مامقی ۱۳۹۱: ۲۹)، اما نه‌تنها در بهار، بلکه در تابستان و پاییز هم زمین‌ها محصول آن‌چنانی نداشت و زمین‌ها از بی‌آبی می‌سوختند (کسروی ۲۵۳۷: ج ۲، ۶۸۸). سال ۱۲۹۶ ش را از منحوس‌ترین سال‌ها برای ایران نامیده‌اند (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۸۹). بیش از یک سال و نیم بود که بارانی نیامده بود و خشک‌سالی وارد مرحله‌ای حاد شده بود (مجد ۱۳۹۰: ۷۰). شهرهای کشور، به‌خصوص همدان، به‌طور جدی با کمبود مواد غذایی روبه‌رو شده بودند (اولسون ۱۳۸۰: ۳۵۳). علاوه‌بر عواملی چون خشک‌سالی و کاهش نزولات جوی در چند سال متوالی در منطقه، گرانی نیز عامل دیگری بود که بیش‌ازپیش در سرنوشت مردم همدان و منطقه تأثیر مخربی برجای گذاشت. کمبود و گرانی گندم و آرد، که قوت بیش‌تر مردم ایران بود (همان: ۳۵۴)، در همدان نیز باعث آشوب و بلوا شده بود. قیمت یک خروار گندم در همدان به ۲۳۰ تومان رسید که در مواقع عادی دوازده تومان عرضه می‌شد. ازسوی دیگر، در حالت عادی آن‌چه به وفور و ارزانی گندم کمک می‌کرد نیز با شروع جنگ و قطع واردات گندم از

روسیه به‌خصوص با بروز انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ م به‌طور کامل از بین رفت. حتی واردات گندم از هندوستان نیز به‌علت جنگ در اروپا قطع شد (داودی ۱۳۷۲: ۲۵۲). هوای منطقه که به‌طور بی‌سابقه‌ای سردتر از سال‌های قبل از جنگ شده بود، امکان رشد هر گیاهی را از زمین‌ها سلب کرده بود. گردنه اسدآباد و آوج و راه‌های ورودی به شهر، که در حالت عادی می‌توانست حمل مواد غذایی به این شهر قحطی‌زده را تسریع کند، کاملاً مسدود شده بود و هیچ فرد یا وسیله‌ای امکان ورود به شهر را برای کمک به اهالی پیدا نمی‌کرد. منطقه و شهر همدان از مناطق سردسیر است و به داشتن زمستان‌های سخت و سرد شهرت داشته است. تعداد روزهای یخبندان آن را در سال حدود شش ماه تخمین زده‌اند (سعیدیان ۱۳۸۸: ۴-۶). سرما و بوران به‌حدی رسیده بود که نیروهای روس را در گردنه اسدآباد مورد آماج خود قرار داد و موجب مرگ شش سرباز و سی رأس حیوان بارکش آنان شد.

## ۲.۵ احتکار مایحتاج عمومی و گرانی

محتکران مواد اولیه و تقریباً هرآنچه مورد احتیاج مردم شهر بود در انبارها نگه‌داری می‌کردند تا با قیمت‌هایی گران و خارج از توان مردم عادی فروخته شود. توجه به این مطلب ضروری است که احتکار در مواقع بحرانی در ایران موضوع تازه‌ای نبود و تقریباً از دوره ناصرالدین‌شاه احتکار، گرانی، و قحطی ملازم بوده‌اند (فلور ۱۳۷۱: ج ۶، ۱۸۴). در معرکه جنگ عالم‌گیر نیز اختیار اوضاع به‌دست محتکران افتاده بود. کارگزاران دولت در منطقه نیز توان ممانعت از این اعمال را نداشتند (مجد ۱۳۹۰: ۷۳). باوجود برداشت خوب محصول در ۱۹۱۷ م دولت نتوانست درمورد جمع‌آوری سریع گندم و جو اقدام مناسبی داشته باشد تا مانع ورود همین محصول اندک نیز به انبارهای محتکران محلی گردد. در همدان، حکمران محلی منطقه و از خوانین بزرگ به‌نام امیر افخم اقدام به جمع‌آوری آرد و غله از تعداد زیادی از املاک روستایی خود کرد و در قریه‌ای به‌نام سردرود انبار کرد. حجم این مواد با تغذیه و خوراک یک سپاه بزرگ برابری می‌کرد (فروتن ۱۳۹۰: ۱۱۶). محتکران در این دوره، از احمدشاه تا محتکران محلی، به‌هیچ‌وجه حاضر به دراختیار قراردادن و بازکردن انبارهای خود بر روی مردم گرسنه و قحطی‌زده نبودند (بزرگ‌امید ۱۳۹۵: ۲۸۱). احتمالاً در همدان گندم و جو به‌قدر لزوم موجود بوده، اما غارت‌گران به قیمت مرگ هزاران نفر از هم‌شهریان نیز حاضر به واردکردن موجودی انبار خود به سطح شهر نبودند (دنسترویل بی‌تا: ۱۳۸). انگلیسی‌ها نیز، که در این برهه در همدان بودند، خود را از زیر بار



لعن و نفرین مردم دور کردند و به‌صراحت اعلام کردند که «قیمت‌های سنگین کنونی جنس به‌واسطه خریداری جنس از طرف ما نیست» (همان: ۸۶). دسترویل ادعا داشت با دایره اطلاعاتی خود در شهر آگاه شده که باوجود کمیاب‌بودن اجناس و احتیاج مردم به آن، محترکان محلی همدان برای بالابردن قیمت گندم‌ها آن را در انبارهایشان پنهان کرده‌اند (همان: ۸۲). ازسویی، روستاییان و رعایایی نیز که می‌توانستند به یاری مردم شهر بیایند راضی به ارائه محصولاتشان، هرچند به مقدار کم و ناچیز، به شهرنشینان همدان نبودند. آنان شاید از این هراس داشتند که با فروش غلات، بعدازمدتی خود دیگر چیزی برای خوردن نداشته باشند (همان: ۱۷۱).

### ۳.۵ نقش نیروهای بیگانه

با آغاز جنگ جهانی اول در اروپا و نقض بی‌طرفی ایران ازسوی سربازان بیگانه، مناطق بزرگی از کشور آماج حملات بی‌رحمانه آنان قرار گرفت. در علت‌شناسی قحطی در مقطع زمانی این پژوهش و با یک واقع‌بینی تاریخی، اگرچه مهم‌ترین، باید بیش‌ترین نقش را در این زمینه متوجه این نیروها دانست. این‌که از سه نیروی مهاجم به منطقه همدان، کدام‌یک بیش‌ترین سهم را در نابودی این سرزمین حاصل‌خیز داشت و قحطی و مرگ‌ومیر مردم بی‌گناه در منطقه برعهده کدام‌یک از دولت‌ها بوده است باید به بحث گذاشته شود. با رویارویی نیروهای ژاندارم و روس حضور نیروهای خارجی در این منطقه قطعیت یافت و بحرانی که آنان به‌وجود آورده بودند وارد مرحله جدیدی شد. تعداد زیاد نیروهای متخاصم خود از علل عمده قحطی بود. در برهه‌ای از زمان در محور کرمانشاه — همدان حدود هجده هزار نیروی روس ژنرال باراتف درمقابل ۲۳ هزار نیروی ترک صف‌آرایی کردند که بیش‌ازنیمی از آنان در همدان و مناطق اطراف آن مستقر بودند (مابرلی ۱۳۶۹: ۲۷۵). بر اثر جنگ از روستایی در اطراف همدان با نام کوریجان با جمعیت هفت‌صد خانوار جز تلی از خاک و اجساد متعفن و سگ‌های هار چیزی باقی نمانده بود (سالور ۱۳۷۸: ج ۷، ۴۸۹۵). خریدهای عمده قشون متحد و متفق تمامی ذخایر بازار شهرهای منطقه را از بین برده بود (دسترویل بی تا: ۱۳۸). درگیری‌ها جان افراد بی‌پناه و غیرمسلح شهری را تهدید می‌کرد و آنان برای نجات جان خود به غارها پناه می‌بردند (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۲۲). همدان، که خود زمانی از تولیدکنندگان اصلی و از تأمین‌کنندگان غله در کشور بود، در اشغال بیگانه دست‌به‌دست شد و محصولاتش در انبار دیگران قرار داشت (مجد ۱۳۹۰: ۹۸). با این

مقدمه و ورود به بحث اصلی، می‌توان مشارکت نیروهای بیگانه در قحطی همدان و منطقه را در رفتارشناسی سربازان آنان پی‌گیری کرد تا نقاط روشن‌تری برای ادامه به‌دست آید.

### ۱.۳.۵ عثمانی‌ها

اینان از اولین نیروهایی بودند که جنگ را با بی‌احترامی به بی‌طرفی ایرانیان آغاز کردند. آنان با شعار اتحاد مسلمانان از غرب و شمال غربی وارد کشور شدند. قشون علی احسان‌پاشا که توانسته بودند روس‌ها را از کرمانشاه تا نزدیکی‌های قزوین به عقب برانند، در همدان پایگاه فرماندهی خود را مستقر کرده بودند. به‌همراه آنان نیروهای ژاندارم به رهبری ماژور محمد تقی‌خان پسپان و جمعی از مهاجران نیز مهمان مردم همدان شدند (کسروی ۲۵۳۷: ج ۲، ۶۶۴). حضور هزاران سرباز مسئله آذوقه را برای تأمین منابع به بحران جدیدی تبدیل کرده بود (مامقی ۱۳۹۱: ۲۸؛ اتحادیه ۱۳۹۱: ۱۴۵). دست‌کم در منطقه همدان برخلاف کردستان نیروهای عثمانی به مردم حمله نکردند و چیزی را به‌زور نستاندند و هر اندازه روس‌ها به رعیت و املاک روستایی صدمه وارد آوردند رفتار ترک‌ها با محبت و مهربانی روایت شده است (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۴۷۷۰، ۴۵۹۵). اما مدتی بعد و با در معرض خطر قرار گرفتن بغداد به‌دست انگلیسی‌ها، سربازان علی احسان‌بیگ دستور عقب‌نشینی دریافت کردند و آنچه به دستشان می‌رسید به قیمت‌های بسیار ارزان‌تر از ارزش واقعی آن از مردم همدان گرفتند و عقب‌نشینی کردند. آنان هفت هزار الاغ، قاطر، و شتر از مردم همدان گرفتند و با خود بردند (رضوی ۱۳۸۸: ۶۳۹). عثمانی‌ها در مدت توقف اردو در همدان از مالیه شهر مقدار پنج هزار خروار جنس گرفتند، اما موقع خروج از شهر فقط ۶۰۰ خروار تحویل دادند (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۴۷۶۹). در مجموع، در مدت حضور عثمانی‌ها، وضعیت امنیت جاده‌ها مناسب شد و دست‌راهنان از چپاول مردم کوتاه گردید. سربازان مسلمان از دست‌درازی به ناموس مردم شهری و روستایی همدان منع شده بودند (مامقی ۱۳۹۱: ۲۸).

### ۲.۳.۵ روس‌ها

اما آن نیرویی که مردم منطقه خاطره حضورشان در همدان را تا سال‌ها از یاد نبردند روس‌ها بودند. از همان روزهای شروع نبردها نفرتی عمومی از نیروهای روس در مناطق تحت اشغال به‌وجود آمد که تا سالیان متمادی ادامه داشت (رضازاده ملک ۱۳۵۱: ۲۱۹). براساس گزارش یک مأمور نظامی تعداد روس‌ها چهل هزار نفر از نیروهای سپاه قفقاز بود

(اریاب ۱۳۸۳: ۱۵۷). حجم زیاد آذوقه خریداری‌شده روزانه روس‌ها آن هم در منطقه‌ای نه‌چندان وسیع در مقایسه با خراسان و آذربایجان، گرانی طبیعی را به بارآورده بود. با عقب‌نشینی روس‌ها پس از شکست از عثمانی، آنان هر آنچه را به‌زور از مردم ستانده بودند و در انبارها ذخیره کرده بودند با خود بردند و حتی باقی‌مانده آذوقه خود را نیز آتش زدند تا به دست نیروهای مردمی نرسد (یوسفی‌نیا ۱۳۸۸: ۱۷۰). در بهار سال بعد، با به‌خطرآفتادن بغداد، سپاه عثمانی از همدان خارج شد و روس‌های تزاری به‌سرعت جانشین آن‌ها شدند و تمامی مسیر از همدان تا کردستان، تمامی دهات و روستاها را به‌نابودی کشاندند. آنان با انتخاب «پترات‌چی»<sup>۱</sup> از اهالی ایرانی منطقه، قحطی و گرانی را مجدداً به‌بار آوردند (مامقی ۱۳۹۱: ۲۸). همدان را می‌توان در کنار قزوین از مهم‌ترین مراکز استقرار ارتش تزاری دانست. اجحاف روس‌ها درقبال مردم همدان به‌خصوص کسبه بازار بسیار بی‌رحمانه بود. آنان معمولاً پولی برای اجناس خود پرداخت نمی‌کردند. درمقابل، مردم نیز بازارها را بسته بودند. با کمک اهالی آذوقه یک ماه مردم و قشون روس با مشقتی فراوان تأمین شد و کسبه تشویق شدند تا موقتاً بازارها را باز کنند. از دیگر رفتارهای روس‌ها به‌نابودی کشاندن روستاها و غارت کردن محصولات و اموال روستاییان منطقه بود. با این طرز رفتار آنان، کشاورزان، که اموالشان به‌یغما رفته بود و از کشت و زرع بازمانده بودند، از منطقه متواری شدند (فرمانفرمایان ۱۳۸۶: ۲۹۶) و روستاهای بی‌صاحب بسیاری بعد از جنگ به‌جا ماندند. با بروز انقلاب اکتبر و دستور خروج نیروهای روس از ایران، رفتار این سربازان وارد مرحله دیگری شد. رفتارشناسی این گروه عظیم از مهاجمان را می‌توان از آثار و بقایایی که از خودشان در طول حرکت از همدان تا انزلی بر جای گذارده بودند بررسی کرد. آنان هرچه به دستشان می‌رسید حمل می‌کردند (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۷۷۷) و باعث اشاعه بیماری و قحطی شدند (احرار ۱۳۵۲: ج ۲، ۱۰۵۳). سربازان به‌هیجان‌آمده روسی دو بار همدان را غارت و چپاول کردند (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۸۶۹). آنان مردم و مالکان را مجبور به تحویل آذوقه کردند تا برای برگشت خود توشه راه داشته باشند. سالدات روس که گرسنه بود هر جور که میل داشت با مردم منطقه رفتار می‌کرد (همان: ۸۶۹). تعداد زیاد قشون روس به‌حدی بود که جاده همدان تا قزوین از حرکت بی‌نظم و ترتیب آنان پوشیده شده بود (دنسترویل بی‌تا: ۴۳). و در این راه دست تعرض به نوامیس مردم نیز دراز کرده بودند (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۷۳۳). در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ ق هر ناظری که از همدان گذر می‌کرد آنچه می‌دید فضای شهر همدان بود که پر از قوای روس بود. عبور و مرور مردم عادی ناممکن شده بود و تمامی وسایل نقلیه در اختیار روس‌ها قرار داشت و البته

هیچ مسافری از ترس «تعرض و آزار» اینان جرئت مسافرت نداشت (مردوخ ۱۳۷۹: ۵۸۶). نکته جالب دیدگاه انگلیسی‌ها درباره روس‌هاست: آنان محبوبیت آلمان‌ها بین ایرانیان را به علت رفتارهای «تجاوزکارانه»، «بی‌فرهنگی»، و «بی‌وجدانی» نیروهای روس دانسته‌اند (آبراهامیان ۱۳۹۴: ۱۱۷). در گزارشی جالب از رفتار سربازان عصیان‌گر آمده که آنان به جای آن‌که هیزم موردنیاز خود را از بیابان‌ها و زمین‌های اطراف روستاها جمع‌آوری کنند، به روستاها هجوم بردند و تیرک خانه‌های روستایی را درمی‌آوردند و می‌سوزاندند (مجد ۱۳۹۰: ۱۰۶).

### ۳.۳.۵ انگلیسی‌ها

نیروی سومی که در سال‌های پایانی جنگ مهمان مردم همدان و منطقه بودند نیروهای انگلیسی ژنرال دنسترویل معروف به دنسترفورس بودند. حضور این نیروها در همدان و استقرار آن‌ها هم‌زمان با قحطی و گرسنگی مردم شهر و منطقه بود. نویسندگان و محققان درباره این حضور بریتانیایی‌ها و نقش آنان در قحطی دو دسته‌اند: عده‌ای آنان را مهم‌ترین عامل بروز قحطی دانسته‌اند و رفتار دوستانه آن‌ها را تلاشی برای پنهان کردن نقش انگلیس در خرید فراوان آذوقه و غله فرض کرده‌اند (همان: ۹۷). یا نقش آنان را در قحطی هم‌پایه محترکان داخلی پنداشته‌اند (آبادیان ۱۳۸۵: ۲۶۷). در طرف مقابل، نویسندگان و مأموران انگلیسی در تضاد کامل با این ادعا مطالبی را چه در اسناد و چه در خاطرات خود ذکر کرده‌اند. در پایان جنگ و اوایل سال ۱۹۱۸ م، که نیروهای روس در حال تخلیه همدان بودند و نیروهای عثمانی فقط در مناطقی از شمال غربی و کردستان فعالیت داشتند، نیروهای ژنرال دنسترویل از طریق کرمانشاه و اسدآباد وارد همدان شدند. علت اصلی عنوان‌شده برای ورود این نیروها به منطقه طرح و برنامه‌ریزی برای شروع عملیاتی گسترده برای امن کردن جاده همدان - قزوین و قزوین - رشت - انزلی از احتمال حمله نیروهای جنگل و طرف‌داران آلمانی و عثمانی برای ممانعت از رسانیدن کمک به باکو برای مقابله با نیروهای بلشویکی بود (احرار ۱۳۵۲: ج ۲، ۱۰۳۹). اما حضور افراد دنسترویل از هر جهت فشار مضاعفی بر مردم منطقه بود (باست ۱۳۷۷: ۱۶۹). هم‌چنین به‌منظور جلوگیری از نفوذ مجدد عثمانی‌ها باتوجه به خالی شدن تدریجی منطقه از نیروهای روس، دنسترویل خود را ملزم به اشغال این ناحیه می‌دید (فرمانفرمایان ۱۳۸۶: ۲۹۲). بزرگ‌ترین مشکل دنسترویل در همدان کسب آذوقه و مواد غذایی لازم برای تأمین نیازهای افرادش بود که به انبارکردن این مواد کمیاب منجر شد، اما او محترکان محلی همدان را عامل اصلی قحطی و گرانی

معرفی کرد و مسئولیت آن را به‌طور کامل از عهده خود و افرادش دور ساخت. او تعداد نیروهای خود در همدان را بسیار محدود و فقط «دوازده نفر صاحب‌منصب و دو نفر نویسنده و چهل و یک نفر شوfer» اعلام کرد (دنسترویل بی‌تا: ۹۰). دنسترویل در کلِ خاطراتش به‌غیر از متهم کردن محترمان محلی از دموکرات‌های همدان نیز به‌مثابه عناصر مقصر در گرانی یاد کرده و آن‌ها را متهم می‌کند که با تهدید به قتل فروشندگان محلی برای رساندن جنس به دست انگلیسی‌ها، او را وادار به اقدام کرده‌اند. دنسترویل هم‌چنین نماینده حکومت مرکزی در همدان را از دیگر عوامل دخیل در ممانعت از ایجاد فضای آزاد خریدوفروش آذوقه در همدان معرفی کرده است (همان: ۱۷۱). در این‌که دموکرات‌ها حس خوبی درباره انگلیسی‌ها نداشتند و از طرفداران سرسخت آلمان‌ها بودند حرفی نیست، اما این‌که فقط با مخالفت یک حزب سیاسی، قحطی همدان روزه‌روز وحشتناک‌تر شده باشد را نمی‌توان درست تلقی کرد. آنان به‌جز «مرباجات و پیه: که مجبور به خریدن آن از بازار محلی همدان بوده‌اند» دست به ذخیره همه «مواد اولیه و لوازم غذایی» زدند که «برای عده زیادی قشون ممکن بود لازم شود» (همان: ۱۵۶). این ذخیره به اندازه‌ای بود که آنان بتوانند به‌راحتی «یک بریگاد قشون را در نواحی بین همدان و قزوین و منجیل ازهرحیث» نگاه‌داری کنند (همان: ۱۷۰). در دوره حکومت صمصام‌السلطنه بختیاری در مه ۱۹۱۸ م و رجب ۱۳۳۶ حتی ورود و خروج گندم به همدان نیز در کنترل نیروهای بریتانیایی قرار داشت (آبادیان ۱۳۸۵: ۶۸۵). دنسترویل با راه‌اندازی و تهیه بلیت برای گرسنگان و استفاده از مردم همدان برای درست‌کردن جاده‌های شهری سعی در رفع گرسنگی اهالی کرد. به‌گفته او تلاش آنان برای مساعدت با مردم باعث نزدیکی اهالی به آنان شده بود (دنسترویل بی‌تا: ۱۲۰). نکته اساسی این‌جاست که مردم گرسنه‌ای که برای تکه‌ای نان مجبور به ازهم‌دریدن یک‌دیگر بودند وقتی لقمه‌ای نان از سفره خودشان به‌دست بیگانگان به آن‌ها داده می‌شد، آیا می‌توانستند در باطن از آنان سپاس‌گزار باشند؟ این امری محال به‌نظر می‌رسد. دنسترویل در حدود چهار ماه پس از ورود به همدان این شهر را به مقصد قزوین ترک کرد (همان: ۱۹۳) و جانشین او، ژنرال بایرون، رفتار او در «مراقبت در مصرف گندم» را در پیش‌گرفت تا مقابله با قحطی ادامه یابد (همان: ۸۲). شهرت این نیرو در مساعدت به قحطی‌زدگان (دنسترویل بی‌تا: ۸۲)، همان‌طور که عنوان شد، نمی‌توانست رضایتی باطنی باشد. زمانی که شهر در دست بیگانه باشد، مواد غذایی و ورود و خروج غله تحت نظارت آنان است، بلیت غذا و پول برای کارگری جاده‌ها از جیب اجنبی بیرون می‌آید، از مردم بی‌نوا و گرسنه و محروم چه کاری ساخته بود؟

## ۴.۵ بیماری - مهاجران

بی‌تردید در فضای جنگی و در نبود بهداشت و کمبود مواد غذایی، شیوع بیماری‌های واگیردار و مسری جان‌با ماندگان از قحطی را به‌راحتی می‌گرفت. بیماری‌هایی چون وبا، تیفوس، و از همه مرگ‌بارتر و جهانی‌تر آنفولانزای اسپانیایی که در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱ م جان تعداد بی‌شماری از مردم را گرفت (آبراهامیان ۱۳۹۴: ۱۱۷). در هر جایی که گرسنگی و قحطی اندکی زمان داده بود تیفوئید و وبا بر جای آن تکیه زده بود (عمیدی نوری ۱۳۸۱: ۳۷). در آن بین، وبا اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت و از هر کویچه و محله‌ای تلفاتی به‌بار آورد (سالور ۱۳۷۸: ج ۶، ۴۵۷۳). بی‌گمان همراه‌شدن آن با کمبود مواد اولیه، نبود بهداشت عمومی، و آموزش‌نداشتن اهالی در رعایت تمیزی آب‌ها و برکه‌ها کشتار را افزایش داد. از دیگر عوامل گسترش بحران در منطقه همدان ورود ناخواسته مهاجرانی به‌نام «جلو» بود که به تعداد زیاد وارد این منطقه شدند. جلوها از طوایف بزرگ کرد مسیحی و تبعه عثمانی بودند که در اوایل جنگ از آن کشور مهاجرت کردند و با کمک روس‌ها مسلح شدند و با عثمانی‌ها وارد نبرد شدند (کتاب سبز ۱۳۳۶: ۱۰۴). پس از شکست از ترک‌ها در ۱۹۱۸ م و در اوج قحطی، این طایفه وارد منطقه همدان شدند. آنان در طول مسیر برای دستیابی به آذوقه به هر جا که می‌رسیدند غارت می‌کردند و می‌کشتند (فرمانفرمایان ۱۳۸۶: ۳۱۴). تعداد این آوارگان گرسنه از ۵۹ هزار نفر (مابری ۱۳۶۹: ۴۴۵) تا هشتاد هزار نفر (دنسترویل بی‌تا: ۲۵۷-۲۵۹) قید شده است. بی‌گمان تغذیه این افراد، که اکثراً مسلح و ناامید بودند و هر آنچه را اراده می‌کردند می‌توانستند به‌زور اسلحه از مردم همدان و روستاهای اطراف به‌دست آورند، مسئله بزرگ و تا اندازه‌ای غامض بوده است. تنها راه موجود سرعت‌بخشیدن به حرکت آن‌ها از همدان به‌طرف مناطق غربی‌تر بود، اما ورود شمار قابل‌توجهی از این طایفه آن‌هم در چند نوبت و اسکان در طول زمستان (مجد ۱۳۹۰: ۶۷) همان مقدار اندکی را که از آذوقه‌ها باقی مانده بود به کام این مهمان‌های ناخوانده ریخت. با شکست نیروهای دولتی و قزاق از نیروهای جنگل در ۱۳۳۸ ق، مردم رشت و انزلی نیز به هر علتی هراسان شهر خود را ترک کردند و از طریق قزوین خود را به مناطق به‌ظاهر امن‌تر از جمله همدان رساندند. حدود چهار هزار نفر از این افراد وارد همدان و روستاهای اطراف آن شدند (دولت‌آبادی ۱۳۹۰: ۷۸۳). از عوامل دیگری که به‌نظر می‌رسد در دسترسی‌نداشتن مردم به مواد غذایی سهمی مهم داشته است مشکل حمل‌ونقل و راه‌های منطقه بود. به‌علت نبود راه‌آهن در ایران (مجدالاسلام کرمانی ۱۳۵۱: ۴) و نبود

جاده‌های استاندارد برای عبور و مرور وسایل نقلیه، ارسال و حمل مواد غذایی به مناطق آسیب‌دیده از جنگ و کمک‌رسانی به مردم قحطی‌زده امکان‌پذیر نبود. به‌طور کلی غیراز استفاده از حیوانات بارکش وسیله دیگری برای حمل و نقل در این منطقه نبود که آن را هم نیروهای روسی و عثمانی به تاراج برده بودند. به‌این ترتیب، اگر در دیگر ولایات نیز آذوقه فراوان بود، به‌علت کمبود حیوانات باربر و دشواری راه‌ها و گرانی حمل بار (بزرگ‌امید ۱۳۹۵: ۲۸۱-۲۸۲) کسی امکان‌ات حمل آن را نداشت (رضایی ۱۳۷۲: ۲۰۸).

## ۶. نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت همدان در جنگ جهانی اول و صدماتی که در طول این دوران بر این منطقه از کشور از سوی تمامی عوامل دخیل وارد آمده است ما را به پاسخ سؤال‌های اصلی این پژوهش رهنمون می‌کند. بروز جنگ‌های داخلی بعد از استبداد صغیر و سپس حملات سالارالدوله به منطقه و درگیری نیروهای دولتی با او و تخریب بخشی از روستاها و زمین‌های کشاورزی، سربرآوردن اشرار محلی، و نبود امنیت اقتصادی و فعالیت تجاری در همدان خود زمینه‌های بروز قحطی را به سالیان قبل از جنگ پیوند می‌زند. مهم‌ترین و برجسته‌ترین عامل در ایجاد قحطی در همدان به‌صورت منفرد وجود ندارد، هرچند جنگ را باید عامل اصلی قلمداد کرد، اما در یک تحلیل تاریخی از واقعه و با یاری گرفتن از اسناد و خاطرات، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر هم‌زمان و در کنار یک‌دیگر در ایجاد قحطی دخیل بودند. خشک‌سالی و کاهش ناگهانی محصولات کشاورزی به کمیابی مواد غذایی و گرانی بی‌حد این مواد منجر شد. تخریب روستاها به‌دست طرفین درگیر در جنگ فرصت تولید مجدد محصول را در منطقه غیرممکن کرده بود. نبود امنیت موجب تعطیلی کسب‌وکار و فرار اهالی و روستانشینان شده بود. رفتار سربازان روسی و بریتانیایی و از همه برجسته‌تر محترکان محلی در انبارکردن و ذخیره گندم و جو که، ساده‌ترین خوراک مردم گرسنه بود، موجب گسترش قحطی و مرگ چندین هزار نفر از مردم همدان شد. به‌طور قطع تعیین رقم دقیق کشته‌شدگان ممکن نیست، نه در آمار دولتی و نه در اسناد هیچ اشاره‌ای به تعداد جان‌باختگان این حادثه دهشت‌بار نشده است. اسناد و مدارک تا آن‌جا که در این تحقیق به‌دست آمد نه‌رقمی را قید کرده و نه حتی امکان مقایسه‌ای را فراهم می‌کند. تحقیقات گسترده به‌خصوص با دستیابی به اسناد طبقه‌بندی‌شده خارجی امکان پاسخ به سؤال‌های بیش‌تر را فراهم می‌کند. به‌طور واضح هیچ آمادگی‌ای برای رویارویی با این بحران از طرف

حکومت مرکزی وجود نداشت. نه سیستم بهداشتی مناسبی وجود داشت تا از شیوع بیماری‌های مسری جلوگیری کند و نه جاده‌ای تا مواد غذایی را به مردم برساند و نه مسئولی احساس وظیفه می‌کرد تا دردی از مردم دوا کند. به نظر می‌رسد این جنگ و قحطی حاصل از آن باعث شد تا سالیان طولانی اوضاع اقتصادی - اجتماعی همدان، رونق بازار، و وضعیت کشاورزی منطقه وضعیت مطلوب و پایداری پیدا نکند.

### پی‌نوشت

۱. به کسانی اطلاق می‌شد که گندم، جو، علف، و ماکولات را از اهالی روستاهای حوالی جاده‌ها برای ذخیره و مصرف ارتش روس به‌زور و بی‌قیمت می‌گرفتند.

### کتاب‌نامه

- ابراهیمی، پروین (۱۳۸۲)، *سیمای میراث فرهنگی استان همدان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۹۱)، *حکایت یک زن در زیر و بم روزگار: زندگی‌نامه عزت‌السلطنه نظام مافی*، به‌کوشش منصوره اتحادیه و بهمن فرمان، تهران: تاریخ ایران.
- احرار، احمد (۱۳۵۲)، *توفان در ایران*، تهران: نوین.
- ارباب، معصومه (۱۳۸۳)، *روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اولسون، ویلیام (۱۳۸۰)، *روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: شیرازه.
- آبادیان، حسین (۱۳۸۵)، *ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- باست، الیور (۱۳۷۷)، *آلمانی‌ها در ایران*، ترجمه حسین بنی‌احمد، تهران: شیرازه.
- بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۹۵)، *از ماست که بر ماست*، تهران: دنیای کتاب.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۷)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران: امیرکبیر؛ کتاب‌های جیبی.
- داودی، مهدی (۱۳۷۲)، *عین‌الدوله و رژیم مشروطه*، تهران: امیرکبیر؛ کتاب‌های جیبی.
- دنسترویل، لیونل چارلز (بی‌تا)، *خاطرات ژنرال دنسترویل: سرکوب‌گر جنگل*، ترجمه حسین انصاری، تهران: کتاب فرزاد.
- دولت‌آبادی، علی محمد (۱۳۹۰)، *خاطرات و ملاحظات سیدعلی محمد دولت‌آبادی*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: سخن.



علل و بی‌آمدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان ۱۸۹

دیوان‌بیگی، رضاعلی (۱۳۵۱)، *سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی*، تهران: چاپ‌خانه بانک ملی ایران.

رایس، کلارا کالیور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، تهران: کتاب‌دار.

رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۱)، *حیدرخان عمو اوغلی*، تهران: دنیا.

رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۲)، *تاریخ ده هزار ساله ایران*، ج ۴، تهران: اقبال.

سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۸)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۶ و ۷، تهران: اساطیر.

سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۶۳)، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *دایره‌المعارف سرزمین و مردم استان همدان*، سرویراستار بتول مجتبوی، تهران: آرام.

سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴)، *پلیس جنوب ایران*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، منصوره جعفری فشارکی (رفیعی)، تهران: تاریخ ایران.

عمیدی نوری، ابوالحسن (۱۳۸۱)، *یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار*، به کوشش مختار حدیدی و جلال فرهنگند، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

فرمانفرمایان، عباس (۱۳۸۶)، *جنگ انگلیس و عثمانی در بین‌النهرین و عواقب آن در ایران*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و بهمن فرمان، ویراسته مصطفی زمانی‌نیا، تهران: کتاب سیامک؛ تاریخ ایران.

فروتن، مجید (۱۳۹۰)، *اوضاع سیاسی - اجتماعی همدان در جنگ جهان‌گیر اول*، تهران: کتاب‌دار؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

فریدالملک همدانی، محمدعلی (۱۳۵۴)، *خاطرات فرید*، به کوشش مسعود فرید، تهران: زوار.

فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۶، تهران: توس.

قائم‌مقامی، رضاقلی (۱۳۳۴)، *وقایع غرب ایران در جنگ اول جهانی: صحنه کارزار و غرّش توپ‌ها*، اراک: فروردین.

قطبی، بهروز (۱۳۷۰)، *اسناد جنگ اول جهانی در ایران*، تهران: قرن.

کتاب سبز؛ بی‌طرفی ایران (۱۳۳۶)، *مراسلات و مذاکرات متعاطیه بین دولت علیه و دول خارجه از بدو وقوع جنگ بین‌الملل*، ج ۱، تهران: روشنایی.

کسروی، احمد (۲۵۳۷)، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

گرگه، اولریش (۱۳۷۷)، *پیش به سوی شرق*، ترجمه پرویز صدری، ویرایش تاریخی کاوه بیات، ویرایش ادبی مصطفی زمانی‌نیا، ج ۲، تهران: کتاب سیامک؛ تاریخ ایران.

مابریلی، فردریک جیمز (۱۳۶۹)، *عملیات در ایران*، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا.

۱۹۰ تحقیقات تاریخ/اجتماعی، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

- مامقی، علی بن مولانا (۱۳۹۱)، ذکر صدمات: اوضاع شهرستان قروه در جریان جنگ جهانی اول، به کوشش محسن صالحی، سنندج: دانشگاه کردستان.
- متین دفتری، احمد (۱۳۷۰)، خاطرات یک نخست‌وزیر، به کوشش باقر عاقلی، تهران: علمی.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۷)، قحطی بزرگ، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۰)، انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحطاط مجلس: فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مردوخ، محمد (۱۳۷۹)، تاریخ مردوخ، تهران: کارنگ.
- ملائتی توانی، علی‌رضا (۱۳۷۸)، ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- میروشنیکف، لی یف ایوانوویچ (۱۳۴۴)، ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، تهران: امیرکبیر.
- هدایت، مهدی‌قلی (۱۳۶۳)، گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، به کوشش محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
- یوسفی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، مشروطه بی‌نقاب، تهران: آرون.